

تشکیل الکترونیکی مجامع شرکت‌ها و اعمال حق رأی در آن

الهام مقربان*

مشخصات رأی

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۰۲۴۱۳۰۰۰۳۳

شماره دادنامه بدوی: ۹۷۰۹۹۷۰۲۴۱۳۰۰۶۹۱

تاریخ صدور دادنامه بدوی: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۱۱۳۸

تاریخ صدور دادنامه تجدیدنظر: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

خواسته: (۱) ابطال صورت جلسه مجمع عمومی شرکت؛ (۲) ابطال صورت جلسه هیئت

مدیره شرکت

مبحث نخست: وقایع پرونده

در پرونده موضوع یادداشت حاضر، مجمع یکی از شرکت‌های با مسئولیت محدود، به صورت فیزیکی تشکیل می‌شود و برخی از اعضای شرکت نیز از طریق ویدئو کنفرانس، در آن مجمع شرکت می‌کنند. این در حالی است که امکان تشکیل مجمع به صورت مجازی یا نیمه‌مجازی، در اساسنامه شرکت تصریح نگردیده بود و به همین دلیل، متعاقباً سایر اعضای شرکت اقدام به طرح دعوا در دادگاه جهت ابطال صورت جلسه مجمع می‌نمایند و دلیل خود را نیز «قانونی نبودن تشکیل مجمع به صورت الکترونیکی و در نتیجه، به حد نصاب نرسیدن تعداد اعضای حاضر

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و وکیل پایه یک کانون وکلای

در مجمع، جهت برگزاری آن» اعلام می‌کنند. این پرونده، دادگاه بدوی و تجدیدنظر را با این سوال اساسی روبه‌رو ساخته است که آیا برگزاری مجمع به صورت الکترونیکی، مجاز است یا خیر؟

«رأی بدوی»

«در خصوص دعوی ام. فرزند سروش با وکالت آقای ن.م. به طرفیت ۱. شرکت ت.ف.آ.پ.س. (با مسئولیت محدود) ۲. آقای دن. ۳. خانم ک.ن. ۴. آقای ف.ب. ۵. خانم ف.ج. با وکالت آقای م.ک.م. دایر بر ابطال صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ هیئت‌مدیره شرکت خوانده مذکور به انضمام خسارات دادرسی؛ (اولاً) نظر به این که وکیل خواهان دعوی موکل خود را علیه خواندگان دوم الی آخر به شرح صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ این دادگاه مسترد نموده است لذا دادگاه مستنداً به بند «ب» از ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دعوی خواهان علیه خواندگان دوم الی آخر را صادر و اعلام می‌نماید. (ثانیاً) در خصوص دعوی خواهان علیه خوانده ردیف اول، نظر به جامع اوراق و محتویات پرونده و با عنایت به این که عدم حضور دو نفر از صاحبان سهم‌الشرکه شرکت خوانده اول به اسامی خانم ک.ن.ی. و آقای ف.ب. در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ مورد پذیرش وکیل خوانده اول می‌باشد و در رفع ایراد حاصله به واسطه عدم حضور دو نفر مذکور، وکیل محترم خوانده اول، مدعی تشکیل جلسه با ویدئو کنفرانس بوده که صرف‌نظر از فقد ادله اثباتی در این خصوص، با فرض صحت نیز اساسنامه شرکت که قانون حاکم بر روابط شرکت و شرکا می‌باشد چنین تجویزی ننموده است. لذا دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص و مستنداً به ماده ۱۳ اساسنامه و ماده ۱۰۶ قانون تجارت و مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به ابطال صورت‌جلسات مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و هیئت‌مدیره شرکت موصوف را صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری محسوب و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.»

«رأی تجدیدنظر»

«دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۴۱۳۰۰۶۹۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ صادره از شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که مشعر بر ابطال صورت‌جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ و هیئت‌مدیره ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ می‌باشد و در موعد مقرر مورد تجدیدنظرخواهی شرکت ت.ف.آ.پ.س. با وکالت آقای م.ک.م. قرار گرفته است در اساس موافق قانون و مقررات

موضوعه و مدارک ابرازی بوده و اعتراض به شرح لایحه اعتراضیه وارد نبوده و مستوجب نقض آن نمی‌باشد؛ زیرا که: (اولاً) مجمع عمومی شرکت‌ها از اجتماع صاحبان سهام برای اتخاذ تصمیم برای فعالیت‌های مختلف شرکت تشکیل می‌شود که هر یک از صاحبان سهام اعم از کل یا جزء، حق حضور در مجمع و دادن رأی در جهت اتخاذ تصمیمات مربوط به شرکت را دارند که هر سهم، دارای حق رأی بوده و مقررات راجع به حضور و عده لازم در جهت اتخاذ تصمیم، مطابق اساسنامه شرکت است مگر در مواردی که تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم مربوط به موضوع جلسه، منوط به تکلیف خاص مقرر در قانون بوده باشد؛ مانند تعیین مدیران و اعضای هیئت‌مدیره موضوع ماده ۸۸ قانون تجارت که در این‌گونه موارد، اکثریت نسبی منوط اعتبار بوده و در مورد مدیران، تعداد آراء هر رأی‌دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی‌دهنده نیز برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. (ثانیاً) یکی از ارکان مهم شرکت‌های تجاری، اساسنامه آن است که روابط شرکاء با یکدیگر، حدود اختیارات مجامع عمومی و هیئت مدیره، تکلیف سود و زیان شرکت، مدت فعالیت و نحوه انحلال را تعیین می‌کند که اساسنامه، تابع نظر مؤسسين و اکثریت دارندگان سهام است و قانون از لحاظ اهمیت، مواردی را در آن ذکر نموده که در هر حال لازم‌الرعایه است و اساسنامه در حقیقت سندی است که به شرکت اعتبار می‌دهد و در آن خط‌مشی و سرمایه شرکت، هدف و نحوه فعالیت و دخالت هر یک از اعضاء را تعیین می‌کند. بنابراین در اختلافات فی‌مابین اعضاء شرکت، بسیار موثر است. (ثالثاً) در تشکیل مجامع عمومی شرکت اعم از عادی یا به صورت فوق‌العاده، اساسنامه بسیار موثر بوده و لزوماً بایسته‌است مرعی شود که در اساسنامه شرکت موصوف، تسری به این‌که تشکیل مجامع عمومی یا هیئت مدیره از طریق ویدئو کنفرانس باشد نشده است و ادعای وکیل تجدیدنظرخواه از این حیث قابلیت اجابت را نداشته و متکی به دلیل موجهی نمی‌باشد. (رابعاً) آن‌چه در بحث مجامع عمومی و هیئت مدیره و رویه معمول شرکت‌ها حائز اهمیت است همانا بحث حضور فیزیکی رأی‌دهندگان است که حتی با عدم حضور آنان، دادن وکالت به سایر اعضاء هم به عنوان راه‌حل پیش‌بینی شده است. حال آن‌که در مانحن‌فیه، دو نفر از سهامداران عمده در جلسات مختلف‌فیه حضور نداشته‌اند و وکالتی هم تفویض نموده‌اند. از این رو مقررات ماده ۱۰۶ قانون تجارت که حاکم بر شرکت‌های با مسئولیت محدود است رعایت نشده و تشکیل مجامع و هیئت‌مدیره محوئ‌عنه منطبق با مقررات آمره قانون تجارت و همچنین اساسنامه شرکت نبوده است و قابلیت حمایت ندارد و صرفاً مقنن به شرح بند ۴ شق «ج» ماده ۶۸ قانون برنامه توسعه ششم مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی، تشکیل مجامع و حضور در آن و اعمال حق رأی از طریق الکترونیکی را برای

شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار پیش‌بینی نموده است و در غیر آن، هیچ نص قانونی وجود ندارد. از این‌رو دادگاه ضمن رد درخواست تجدیدنظرخواهی به عمل آمده، مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه معترض‌عنه را در نتیجه تأیید و استوار می‌نماید. رأی صادره حضوری و قطعی است.»

بحث دوم: تحلیل و بررسی

قانون تجارت (با اصلاحات بعدی آن) محصول سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۴۷ است و بدیهی است که در آن زمان به واسطه سطح پیشرفت فناوری، فقط امکان عملی برگزاری مجامع به صورت فیزیکی میسر بوده است. از این‌رو، بسیاری از مواد این قانون به گونه‌ای تنظیم شده است که نشان‌دهنده همین رویکرد است. برای مثال ذکر کلمه «محل» در ماده ۱۰۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت^۱ که در کنار عبارت «نشانی کامل» آمده است تبادر به «مکان فیزیکی» دارد و همچنین اشاره به ضرورت امضای فهرست حاضرین در مجمع در ماده ۹۹ این قانون نیز، تبادر به امضاء فیزیکی دارد. به همین دلیل با پیشرفت فناوری، بسیاری از کشورها هم قوانین خود را به‌روزرسانی کرده‌اند و به صراحت از امکان تشکیل مجامع شرکت به صورت الکترونیکی سخن گفته‌اند. برای مثال ماده ۳۶۰(الف) قانون شرکت‌های انگلستان (اصلاحی ۲۰۰۹) مقرر داشته است:^۲

«ماده ۳۶۰(الف): مجامع الکترونیکی و رأی‌گیری:

۱) هیچ‌یک از مفاد بخش حاضر، مانع تشکیل و برگزاری مجامع از طریق الکترونیکی نخواهد بود و اشخاصی که در مکان یکسانی حضور ندارند می‌توانند در مجمع، شرکت کنند و ضمن بیان نظراتشان، رأی خود را نیز اعلام کنند.

۲) امکان استفاده از وسایل الکترونیکی در شرکت‌های بورسی به منظور

۱. ماده ۱۰۰: «در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی، دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.»

۲. همچنین می‌توان به ماده ۲۱۱ قانون عمومی شرکت‌ها (مصوب ۲۰۱۳) مربوط به ایالت دلاویر آمریکا نیز اشاره کرد؛ برای مطالعه این قانون، ن‌ک:

شرکت سهامداران در مجامع عمومی تنها در صورتی مجاز است که الزامات و محدودیت‌های ذیل رعایت شود:

الف) کلیه تدابیر لازم جهت اطمینان از احراز هویت شرکت‌کنندگان در مجامع و حفظ امنیت ارتباطات الکترونیکی به کار گرفته شود؛
ب) اعمال هرگونه تدابیری در صورتی مجاز است که متناسب برای دستیابی به اهداف فوق باشد».

در تحلیل این ماده گفته شده است که از یک سو، بند یک آن بر این اصل صحه می‌گذارد که حضور فیزیکی کلیه اشخاص در مکان فیزیکی واحد، پیش‌شرط قانونی برای تشکیل مجمع نیست به شرط آن‌که شرکت‌کننده ضمن حضور مجازی در مجمع، بتواند دیدگاهش را بیان دارد و رأی خود را نیز از طریق وسایل الکترونیکی اعلام نماید؛ و از سوی دیگر، استفاده از این روش در شرکت‌هایی که سهام خود را در بورس عرضه کرده‌اند منوط به رعایت الزامات خاصی است.^۱

قانون‌گذار ایران نیز با تصویب بند «ج» ماده ۶۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی) رویکرد مشابهی را در پیش گرفت. این ماده مقرر داشته است: «در مورد شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار،^۲ موارد زیر می‌تواند به طریق الکترونیکی به روشی که به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار می‌رسد، صورت پذیرد: (۱) ارسال گواهینامه حق تقدم خرید سهام جدید از طرف شرکت به صاحبان سهام به جای استفاده از پست سفارشی؛ (۲) انتشار اعلامیه‌های پذیره‌نویسی و دعوت‌نامه‌های مجامع عمومی و اطلاعیه‌ها از طرف شرکت به شکل الکترونیکی و یا انتشار در روزنامه‌های کثیرالانتشار و جراید؛ (۳) پذیره‌نویسی و تعهد خرید سهام شرکت، به جای مراجعه به بانک و تکمیل اوراق مربوطه؛ (۴) حضور در مجامع عمومی شرکت و اعمال حق رأی؛ (۵) صدور گواهینامه موقت سهام، اوراق سهام و گواهینامه‌های حق تقدم خرید سهام شرکت به جای چاپ

1. (Leslie Kosmin QC & Catherine Roberts, 2013).

۲. «شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس»، مشخصاً شامل تشکلهای خودانتظام، نهادهای مالی و ناشران اوراق بهادار است.

کاغذی آن‌ها؛ (۶) ثبت نقل و انتقالات سهام و گواهینامه‌های حق تقدم خرید سهام شرکت، به جای ثبت آن‌ها در دفاتر کاغذی».

آن چه مربوط به نوشته حاضر است مفاد بند چهارم این ماده است که «حضور در مجامع عمومی شرکت و اعمال حق رأی» را به روش الکترونیکی تجویز نموده و مقررات ایران را همسو با مقررات پیشرفته سایر کشورها کرده است. اما سؤال این است که آیا این ماده، جنبه اعلامی دارد یا تأسیسی؟ به بیان دیگر، آیا برگزاری مجامع به صورت الکترونیکی، منوط به تجویز قانون‌گذار است یا در صورت سکوت قوانین نیز می‌توان کلیه مجامع را به صورت مجازی برگزار کرد؟

در پاسخ به این سوال می‌توان به بندهای ۱۲ تا ۱۴ ماده ۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اشاره کرد که بیان می‌دارد در اساسنامه شرکت باید ترتیب دعوت مجامع عمومی و اداره آن‌ها و نیز طریقه شور و اخذ رأی را ذکر کرد. از این‌رو با وحدت ملاک از مقررات مزبور به نظر می‌رسد که تجویز امکان برگزاری مجامع به صورت الکترونیکی در کلیه شرکت‌ها، باید به تصویب مجامع برسد و در اساسنامه شرکت هم درج شود. بنابراین هیئت مدیره شرکت نمی‌تواند به صلاحدید خود، تشکیل الکترونیکی مجامع را تجویز نماید زیرا تجویز قانون‌گذار یا اساسنامه شرکت، موضوعیت دارد. از این‌رو، هر دو دادنامه اصداری موضوع این نوشتار را باید قابل دفاع دانست همچنان‌که در هر دو رأی صادره نیز، پیش‌شرط تشکیل الکترونیکی مجامع را تجویز اساسنامه شرکت دانسته‌اند و این دادنامه‌ها به طور ضمنی، بر موضوعیت داشتن تجویز اساسنامه، صحه گذارده‌اند. چنین برداشتی از مقررات فعلی، این نتیجه را در پی خواهد داشت که حتی به‌رغم حضور تمامی سهامداران در یک مجمع الکترونیکی، باز هم نمی‌توان آن را قانونی دانست و لذا، سهامداران حاضر در آن مجمع نیز می‌توانند در مقام ذی‌نفع، اقدام به طرح دادخواست ابطال مجمع برگزار شده و صورت‌جلسات آن نمایند.

فهرست منابع

- Edward P. Welch & Others (2017), **Folk on the Delaware General Corporation Law**, Wolters Kluwer Law & Business.
- Leslie Kosmin QC & Catherine Roberts (2013), **Company Meetings and Resolutions**, 2nd edition, Oxford University Press.

